

سبک زندگی اسلامی بر اساس آموزه های قرآنی

جوامع اسلامی دچار التقاط شدید فکری و رفتاری هستند. پس از چند سده پیشرفت تمدنی در جوامع اسلامی، هجوم دشمنان صلیبی و غیر صلیبی و جنگ های پیاپی و درگیری های داخلی و نیز تکفیر مسلمانان از سوی برخی از مذاهب اسلامی، جامعه اسلامی عقب گردی به سمت و سوی جاهلیتی جدید داشت. این عقب گرد همراه با پذیرش فرهنگ های مسلطی بود که در سده های اخیر توان علمی خود را در فن آوری های مادی نشان داده و در این عرصه ها پیشرفت های چشم گیری داشته اند. این گونه است که نوعی سبک زندگی التقاط در فکر و رفتار در جوامع اسلامی شکل گرفت که نه تنها عامل پیشرفت نشد، بلکه موجبات افزایش عقب افتادگی جوامع اسلامی و تسلط دشمنان دین و ملت شد.

نویسنده در این مطلب بر آن است تا با بررسی سبک زیستی در جوامع اسلامی و علل مشکلات کنونی جهان اسلام، راه کار برونرفت را تبیین کرده و اثبات نماید که تنها راه همانا بازگشت به سبک زندگی اسلامی با بازخوانی و به کارگیری آموزه های قرآنی است. با هم این مطلب را از نظر می گذرانیم.

مفهوم شناسی سبک زندگی

سبک زندگی یک اصطلاح جدید است که در انگلیسی از آن به **life style** تعبیر می شود. در علوم اجتماعی سبک زندگی غیر از شیوه زندگی دانسته شده که در انگلیسی از آن به **way of life** یاد شده است؛ چرا که شیوه زندگی، مفهومی عام و کلی است که هر گونه شیوه و اسلوب زندگی را در همه تمدن ها و ادوار تاریخ بشر اعم از دوران های ماقبل مدرن و دوران جدید و حتی پسا مدرن را نیز در بر می گیرد.

اما سبک زندگی، سبک زندگی نظام واره و سیستم خاصی از زندگی است که به یک فرد، خانواده یا جامعه هویتی خاص می بخشد. این نظام واره هندسه کلی رفتار بیرونی است که افراد، خانواده ها و جوامع را از یکدیگر متمایز می کند و هویت هایی متمایز می بخشد. سبک زندگی از این حیث، مجموعه ای کم و بیش جامع و منسجم از عملکردهای روزمره یک فرد است که نه تنها برآورنده حاجات و نیازهای مادی و معنوی وی است، که متضمن فحوایی فلسفی نیز هست. این فحوای فلسفی همان روایت خاصی است که وی با سبک زندگی خود آن را در برابر دیگران تجسم و تجسد می بخشد.

این روایت را می توان در آداب و هیئت ترکیبی آنها و رفتارها و جلوه های ظاهری مورد خوانش و قرائت قرار داد. هم چون بسته ای همبسته و پیوسته شامل : مصرف، معاشرت، پوشش، نوع بیان و حرف زدن، ادبیات محاوره ای، تفریح، اوقات فراغت، آرایش ظاهری، طرز خوراک، معماری و شهرسازی، دکوراسیون منزل، آداب دینی و مناسک مذهبی / عبادی و ... این ها همه جلوه های رفتاری راوی هویت و شخصیت ما در محیط زندگی و نشانه ای روشن از عقاید ، باورها، ارزشها، و علائق ماست که ترکیب آنها هویت شخصی و اجتماعی ما را می نمایاند.

پس نسبت میان شیوه زندگی و سبک زندگی ، نسبت عموم و خصوص من وجه است؛ چرا که سبک زندگی از دل شیوه زندگی بیرون آمده و تولید می شود. سبک زندگی همان شیوه ی زندگی در هنگامی است که در مدل ، فرم و صورت های خاص و ویژه ای منجمد و متجسد و قالب بندی شود. به عنوان نمونه در شیوه زندگی غربی ها می توان انواع سبک های زندگی چون سبک زندگی فرانسوی، سبک زندگی انگلیسی و سبک زندگی آمریکایی را یافت. عناصر خاصی در ایجاد سبک زندگی نقش دارد. از جمله مهم ترین عناصر می توان به طبقه مدرن اجتماعی ، قدرت و پشتوانه اقتصادی طبقه جدید، گفتمان اجتماعی جدید، زندگی روزمره و روزمرگی، فن آوری های جدید، عادت مصرف بدون نیاز، ظهور جامعه سرمایه داری و حاکمیت مطلق مناسبات سرمایه داری بر جامعه، ظهور مفهوم اوقات

فراغت در دوره جدید، رسانه ها و مانند آن اشاره کرد. در سبک زندگی آمریکایی بر اموری چون فردگرایی، آزادی های فردی، خانواده گریزی، بلکه حتی خانواده ستیزی، مصرف گرایی شدید، سرعت شتاب زده سرسام آور، اضطراب زمان، غذاهای آماده، تنوع طلبی شدید و مانند آن را شناسایی و ردگیری کرد.

«آنتونی گیدنز» سبک زندگی را از مولفه های زندگی مدرن امروزی می داند. به اعتقاد وی دنیای جدید و مدرن گزینه های قابل انتخاب را برای افراد افزایش می دهد و همین مساله موجب می شود تا هر جامعه ای برای خود سبکی خاص از زندگی را انتخاب کند.

سبک زندگی که در این جا مورد بررسی و تحلیل مفهومی آن هستیم، ارتباط با حوزه جامعه شناختی دارد، هر چند که هر فردی نیز می تواند دارای سبک خاص از زندگی باشد که به حوزه روان شناسی تعلق می گیرد. روان شناسان اجتماعی به عملکرد فردی افراد در سبک زندگی توجه دارند، زیرا سبک خاص زندگی هر فردی نیز می تواند با دیگری از همان جامعه بلکه خانواده متفاوت و متمایز باشد. این تفاوت و تمایزها می تواند در تحلیل شخصیت افراد و رفتارهای او مفید و برای بیان مشکلات و تبیین آن ها و نیز توصیه هایی جهت برونرفت از مشکلات حاد فردی سازنده باشد.

اما آن چه مهم است، نگاهی کلی تر و فراتر از جنبه های روان شناختی و روان شناختی اجتماعی است، چرا که می خواهیم سبک خاص جامعه را تحلیل کرده و دستورالعمل های کلی تری را برای بهبود وضعیت جامعه ارایه دهیم تا از بن بست های اجتماعی و نابهنجاری های رفتاری و بحران های اجتماعی رهایی یابیم.

جامعه شناسان تعاریف متعددی را برای سبک زندگی گفته اند که در برخی از مقالات از جمله مقاله علی عبدی در مقاله «تفاوت شیوه زندگی با سبک زندگی» به آن ها اشاره شده است. از جمله این تعاریف می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱۰ "سبک زندگی" مفهومی بسیار مهم است که اغلب برای بیان "روش زندگی مردم" توأم با طیف کاملی از ارزش‌ها، عقاید و فعالیت‌های اجتماعی است می‌توان گفت سبک زندگی از الگوهای فرهنگی، رفتاری و عاداتی شکل می‌گیرد و افراد به طور روزمره آنها را در زندگی فردی و اجتماعی خود به کار می‌گیرند. افراد به واسطه کنش‌های اجتماعی متقابل خود با والدین، دوستان همسالان، آشنایان و رسانه‌های جمعی الگوهای رفتاری را می‌آموزند. به عبارتی سبک زندگی شامل فعالیت‌های معمول و روزانه است که شخص آنها را در زندگی خود به کار می‌گیرد. این البته معنای عام و کلی این مفهوم است.

۲۰ سبک زندگی مجموعه‌ای از ذائقه‌ها، باورها و کردارهای نظام‌مندی است که یک طبقه یا بخشی از یک طبقه‌ی معین را مشخص می‌کند. در این راستا، برای مثال سبک زندگی شامل، عقاید سیاسی، باورهای فلسفی، اعتقادات اخلاقی، ترجیحات زیبایی‌شناختی و نیز اعمال جنسی، غذایی، پوشاکی و فرهنگی و غیره می‌شود. بر خلاف "سطح زندگی" که با کمیت کالاها و خدمات مطابق است که یک فرد یا یک گروه می‌تواند در اختیار داشته باشد، بنابراین این در یک سطح زندگی واحد، سبک‌های زندگی بسیار متفاوتی می‌توانند وجود داشته باشند، که این امر به باور پیر بوردیو به "عادت‌واره" های *habitus* متمایز بستگی دارد.

۳۰ سبک‌های زندگی مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، ارزش‌ها، شیوه‌های رفتار، حالت‌ها و سلیقه‌ها در هر چیزی را در برمی‌گیرد. موسیقی عامه، تلویزیون، آگهی‌ها همه و همه تصورها و تصویرهایی بالقوه از سبک زندگی فراهم می‌کنند. سبک زندگی فرد، اجزای رفتار شخصی او نیست، لذا غیر معمول نیستند. بیشتر مردم معتقدند که باید سبک زندگی‌شان را آزادانه انتخاب کنند. در بیشتر مواقع مجموعه عناصر سبک زندگی در یک‌جا جمع می‌شوند و افراد در یک سبک زندگی مشترک می‌شوند. به نوعی گروه‌های اجتماعی اغلب مالک یک نوع سبک زندگی شده و یک سبک خاص را تشکیل می‌دهند. سبکی

شدن زندگی با شکل گیری فرهنگ مردم رابطه نزدیک دارد. مثلاً می‌توان شناخت لازم از افراد جامعه را از سبک زندگی افراد آن جامعه بدست آورد.

نکته دیگر آن که شیوه زندگی در هر تمدنی متناسب و ملازم با صورت تمدنی و عالم تاریخی آن تمدن و جامعه است. برای نمونه کتاب شریف «حلیه المتقین» علامه مجلسی که در دوره صفویه تدوین یافته خود بسان آئین نامه کامل شیوه زندگی اسلامی - شیعی است که با عالم و صورت تمدنی شیعی و ایرانی عصر صفویه تناسب و تلازم تام دارد.

انواع سبک های زندگی جدید غربی (آمریکایی و اروپایی) به دلیل عناصر خاص و شبکه مفاهیمی که دارد در تعارض جدی با روح دیانت و شیوه زندگی دینی و اسلامی/شیعی است. برای نمونه روزمرگی یکی از عناصر جدی سبک زندگی غربی است که بدون آن، انواع سبک از زندگی غربی معنایی ندارد. در حالی که روزمرگی در ذات خود ملازم با غفلت و اکنون زدگی است که خود یکی از ثمرات «نیست انگاری» غربی است، حال آنکه روح دیانت و زیست مؤمنانه گریزان از غفلت و اکنون زدگی، و ملازم خودآگاهی و بصیرت مؤمنانه است. لذا سبک زندگی اسلامی/شیعی اقتضائاتی دارد که از جمله اقتضائات تدوین و طراحی دکترین سبک زندگی اسلامی/شیعی مستلزم تأمل و تفکر درباره ی ماهیت و اقتضائات این گونه از سبک زندگی است. سبک خاصی از زندگی که با روح دیانت و دینداری و زیست مؤمنانه تطابق داشته باشد و اقتضائات دوره جدید و فن آوری های آن را نیز در نظر آورد.

در پایان می بایست بر این نکته تاکید کرد که سبک های زندگی در هر عصر و مصری با سبک زندگی در زمان و مکانی دیگر می تواند متفاوت باشد هر چند که در کلیت در یک مجموعه خاص از شیوه زندگی قرار می گیرد. به عنوان نمونه سبک زندگی ایرانی و اسلامی/ شیعی با سبک زندگی عراقی و اسلامی / شیعی متفاوت است؛ چنان که با سبک زندگی عراقی و اسلامی/ سنی نیز می تواند متفاوت باشد. بر همین اساس سبک زیستی

ایرانی اسلامی / شیعی در عصر حاضر با عصر قاجار و پیش از آن نیز می تواند متفاوت باشد که هست. با این همه، همه سبک های زیست در چارچوب کلی شیوه زندگی اسلامی قرار می گیرند.

التقاط در شیوه و سبک زندگی جوامع اسلامی

جوامع اسلامی از دیرباز گرفتار التقاط بودند. پیامبر(ص) همانند بسیاری از پیامبران کوشید تا سبک زندگی اسلامی خاص را در چارچوب کلان شیوه زندگی اسلامی ارایه دهد. جامعه مدنی چنان که خداوند می فرماید یک الگو و سرمشق در شیوه و سبک زندگی بوده که با تلاش ها و مبارزات پیامبر(ص) و مجاهدت های بسیار در عرصه های جهاد اصغر، کبیر و اکبر تحقق یافته و به عنوان سرمشق به جهانیان معرفی شده است. (بقره، آیه ۱۴۳)

پیامبر(ص) به شدت با جنگ با افکار و رفتارهای جاهلی پرداخت؛ زیرا جوامع انسانی هرگز خالی از اندیشه و بینش و نگرش ها نیست. از این روست که پیامبر(ص) به بررسی نقادانه از فرهنگ جاهلی پرداخته و برخی را رد و برخی دیگر را اثبات و امضا می کند.

پیامبر(ص) کوشید تا یک سبک زندگی جدید را در قالب شیوه جدیدی از زیست ارایه دهد که مبتنی بر آموزه های وحیانی قرآن و عقلانی و فطرت بشر است. اما پس از پیامبر(ص) به سبب ارتباط جامعه مدنی با فرهنگ ها و تمدن های دیگر، شیوه ها و سبک های دیگری از زندگی شناسایی شد. برخی از این فرهنگ ها و تمدن ها به سبب پیشینه قوی تاریخی، مسلمانان را تحت تاثیر قرار دادند و سست ایمان ها را به سوی خود کشیدند. این گونه است که از هر شیوه زندگی به ویژه رومی، یونانی، ایرانی و مصری، فکر و رفتاری را انتخاب کردند.

در دو سده نخست اسلامی چنان جامعه مدنی تحت تاثیر شیوه ها و سبک های دیگر زیستی قرار گرفت که دیگر اثری از شیوه و سبک زیست اسلامی مدنی باقی نماند. اصولاً

حرکت های اصلاحی امیرمومنان علی(ع) در دهه چهارم هجری و سپس حرکت اصلاحی عاشورا در دهه ششم جز برای اصلاح امت اسلام نبوده است که گرفتار شیوه ها و سبک های غیر اسلامی شده و از نظر فکری و رفتاری تغییر یافته بودند.

سبک زندگی اسلامی بر اساس آموزه های قرآنی

امامان معصوم(ع) در دو سده حضور خود در جامعه اسلامی تمامی تلاش خود را مبذول این معنا داشتند که شیوه زندگی اسلامی را تبیین کرده و با توجه به شرایط هر عصری سبک خاصی از زندگی اسلامی را ارائه دهند. مجموعه ای که اکنون از سنت و سیره آنان در اختیار ماست به خوبی نشان می دهد که ایشان سبک های متعددی از زندگی را برای اعصار(زمان ها) و امصار(مکان ها) ارائه دادند که مبتنی بر شیوه زیست اسلامی است.

مهندسی فرهنگی که امامان(ع) برای ارائه سبک های گوناگون زندگی مبتنی بر شیوه زیست اسلامی انجام دادند، یک مجموعه علمی و عملی است که می بایست به عنوان سرمشق مورد استفاده جوامع امروز اسلامی قرار گیرد.

شیوه زندگی اسلامی، در جوامع الکلم قرآنی بیان شده است و بر ماست که با مراجعه و عرضه پرسش ها به استنطاق قرآن پرداخته و از او بخواهیم تا راهکارهایی را برای ما در همه عرصه های فکری و علمی و عملی ارائه دهد. استنباط و استنطاق از قرآن به معنای آن است که فروع زندگی خود را در همه زمینه ها به قرآن ارائه دهیم و با رد الفرع الی الاصل، در یک قالب منطقی و برهانی، صغرای خود را در کبرای اسلام تبیین کرده و راهکار آن را به عنوان نتیجه توصیه ای اسلام و قرآن بپذیریم.

در ادبیات اسلامی با نظام هایی مواجه هستیم که بیانگر سبک های خاص زندگی در چارچوب شیوه زندگی اسلامی هستیم. به عنوان نمونه «زی طلبگی» به معنای سبک خاص اسلامی زندگی برای طلاب حوزه های علمیه است. در این سبک زندگی اسلامی بیان می شود که یک طلبه چگونه باید در جامعه رفتار کند. این زی طلبگی به معنای

زیستن در چارچوب معیارهای خاص زندگی دانشجوی اسلامی، شامل همه حوزه های رفتاری است. به شخص می آموزد چه بپوشد؟ چه بخورد؟ چه اندازه بخورد؟ چگونه در خیابان و جامعه برود؟ چگونه در منبر و مجالس بنشیند؟ چه بگوید؟ چه نگوید؟ چگونه نگاه کند؟ چگونه راه برود؟ چه کفشی را بپوشد؟ چه کفشی را نپوشد؟ چطوری تفریح کند؟ کجا برود؟ کجا نرود؟ با چه کسی ازدواج کند؟ با کدام خانواده وصلت کند؟ چگونه مباحثه کند؟ چه ساعتی بخوابد؟ چه ساعتی بیدار شود؟ چگونه نماز بخواند؟ چگونه احترام دیگران را نگه دارد؟ و ده ها دستور العمل رفتاری که در سبک زیست طلبگی بیان می شود.

هم چنین در ادبیات اسلامی ما با سبک زندگی های خاص مواجه هستیم که بیانگر چگونگی رفتار یک بازاری یا یک قاضی، یا مامور نیروی انتظامی است.

از این منظر، مهندسی فرهنگ عمومی در سبک زندگی به تنهایی کفایت نمی کند، بلکه بر اساس آموزه های اسلامی می بایست افزون بر تبیین مفاتیح الحیات و چگونگی زیست، چگونگی رفتارهای جزئی که در قالب آداب تعریف شده آموزش داده شود. پس لازم است که مهندسی هایی در فرهنگ اقشار مختلف جامعه مبتنی بر سبک زندگی کلی و شیوه زندگی انجام گیرد. بازخوانی متون اسلامی برای به دست آوردن مثلا سبک زندگی دانشجویی، سبک زندگی کارگری، سبک زندگی نظامی، سبک زندگی روستایی، سبک زندگی آرپاتمان نشینی، سبک زندگی شهری، سبک زندگی کارمندی و مانند آن ها به دست آمده و به جامعه آموزش داده شود.

هم چنین هر جامعه ای از جوامع اسلامی می بایست در شناسایی سبک زندگی خود مبتنی بر اقتضات زمان و مکان عمل کند تا بتواند هم خود را از تهاجم فرهنگی و رفتاری شیوه ها و سبک های زندگی غیر اسلامی حفظ کند و هم بتواند از مواهب فن آوری های جدید علوم در زندگی اجتماعی سود برد.

در سبک های زندگی به همه جزئیات پرداخته می شود و می بایست در چارچوب شیوه زندگی اسلامی، الگوهایی برای همه امور ارایه شود. پس توجه به ظواهر و ریز جزئیات در اموری چون معماری، تزیینات، پوشش، نوع غذا، خودرو، میزان مصرف، سرگرمی ها، جشن ها، رفت و آمدها، سخن گفتن ها، ارتباطات حضوری و غیر حضوری، بهره گیری از فن آوری هایی چون تلفن، تلفن همراه صوتی و تصویری، ماهواره، تلویزیون، اینترنت و مانند آن معرفی کرد.

اگر این گونه به سبک زندگی و مهندسی آن نیاندیشیم در نهایت گرفتار التقاط خواهیم شد و جامعه با تناقض مواجه خواهد شد به گونه ای که موجبات افزایش اضطراب های درونی به سبب احساس گناه، تحجر، نابهنجاری و مانند آن می شود. اکنون جوامع اسلامی از جمله جامعه ایرانی مواجه به التقاطی است که در شیوه و سبک زندگی گرفتار آن است. بحران موجود در جوامع اسلامی و فقدان سلامت روانی و اجتماعی در جامعه و نابهنجاری ها و سرخوردگی ها و مانند آن ریشه در همین التقاط دارد؛ زیرا از یک سو ایمان به خدا و آخرت و آموزه های قرآنی و از سوی دیگر افکار و اندیشه های غربی با فن آوری پیشرفته آن، موجب شده که انسان ایرانی دچار نوعی اختلال در هویت شخصیتی شود و نتواند خود را چنان که هست بشناسد و تعریف کند و موقعیت و هدف خود را تعیین نماید. این سرگردانی موجود در جوامع اسلامی به سبب عدم مهندسی فرهنگی در کلیات و جزئیات از سوی نخبگان و رهبران فرهنگی، سیاسی و اجتماعی جامعه است؛ زیرا مردم به رهبران خود می نگرند و آنان را الگوی خود می سازند، و در صورت فقدان رهبری چشم به الگوهای دیگر می دوزند که با تناقض کامل با افکار و بینش ها و نگرش های آنان است و این خود به دامنه و افزایش بحران می افزاید.